

یکشنبه 18 شهریور 1397-28 ذی الحجه 1439-9 سپتامبر 2018

درگذشت نویسنده متعهد "جلال آل احمد" (1348ش)



درگذشت نویسنده متعهد "جلال آل احمد" (1348ش)

جلال آل احمد 11 آذر در سال 1302 در تهران متولد شد. وی در سال 1322 رسماً عضو حزب توده شد و در کنار فعالیت‌های سیاسی، در رشته ادبیات فارسی، موفق به اخذ دانشنامه لیسانس گردید. در سال 1326 به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. جلال، نویسندگی را از 16 سالگی آغاز کرده بود و پس از این که جذب حزب توده شد با آثار "کسروی" آشنا گردید. در مبارزه حزبی آل احمد جز شکست و سرخوردگی چیزی وجود ندارد، اما نهضتی که عمیق‌ترین تأثیر را بر روحیه او گذارد قیام 15 خرداد 1342 می‌باشد. جلال آل احمد در این هنگام به این حقیقت رسید که هر چه مکتب غیرخودی هست، جز فریب و استثمار و استعمار، چیزی ندارند. وی به این نتیجه رسید که تنها امید رهایی بسیج توده‌ها در دست روحانیت آگاه است نه روشنفکران غرب و شرق؛ زده. بعد از این که جلال نسبت به روحانیت و به ویژه امام خمینی(ره) اظهار علاقه نمود، ساواک او را مورد تهدید قرار داد و سعی کرد که جلال را از روحانیت جدا کند. در سال 1347، جلال تهدید به مرگ شد. ساواک می‌خواست که وی را بدون سر و صدا از میان بردارد. سرانجام در یک صحنه ساختگی و مشکوک در این روز، بدون هیچ گونه سابقه بیماری در 46 سالگی دارفانی را وداع گفت. پیکر جلال آل احمد در مسجد فیروزآبادی در ری به خاک سپرده شد. ورود قزاقان روسی به تبریز (1338 ق)

پس از آن که دولت روسیه به خاطر استخدام مورگان شوستر آمریکایی به عنوان خزانه‌دار کل کشور در ایران، به دولت صمصام‌السلطنه اولتیماتوم داد، مجلس شورای ملی این اولتیماتوم را نپذیرفت. در نهایت با فشار و تهدید روس‌ها مبنی بر تصرف تهران، دولت ایران ناچار شد که اولتیماتوم را قبول کرده، مورگان شوستر را معزول نماید. در آن هنگام که بین مجلس و دولت، درباره رد یا قبول اولتیماتوم، مذاکره و گفتگو جریان داشت، قوای نظامی روسیه به اقدامات وحشیانه‌ای در چند شهرستان دست زدند. در تبریز بین ماموران نظمیه و سربازان روس، زد و خورد روی داد و به کشته و زخمی شدن تعدادی از دو طرف انجامید. شهر تبریز در نهایت در پنجم دی ماه آن سال به اشغال کامل نیروهای روسیه درآمد و سربازان روسی در تبریز در سطحی وسیع دست به کشتار مردم زدند. روس‌ها به وضع دلخراشی عده‌ای را با نفت و بنزین آتش زدند، دسته‌ای را در تنور آتش، سوزاندند و چند روز بعد، ثقه الاسلام تبریزی، عالم بزرگ آن شهر نیز به همراه عده‌ای دیگر از مشروطه خواهان، توسط روس‌ها به دار آویخته شدند.

درگذشت "ستار خان" سردار ملی (1332 ق)

ستارخان در سال 1284 ق در قره داغ آذربایجان به دنیا آمد. در ابتدا به صورت جوانی عیار منش زندگی می‌کرد و دوستانی همچون خود داشت. پس از آغاز مشروطه و رویداد محاصره تبریز، به مشروطه خواهان پیوست و در اثر رشادت‌ها و پایمردی‌های فراوان، عنوان سردار ملی گرفت. او جزو کسانی بود که پس از فرار محمدعلی شاه، فاتح تهران بودند. اما پس از چندی با دولت درگیر شده و توسط آن‌ها خلع سلاح و منزوی گردید. اواخر عمر خود را در تهران و با تنی زخمی و روحی خسته گذراند و سرانجام در 48 سالگی بدرود حیات گفت و در صحن حرم عبدالعظیم در ری به خاک سپرده شد.

رحلت "حاج ملاهادی سبزواری" فیلسوف عظیم و دانشمند شهیر جهان اسلام (1289 ق)

ملاهادی سبزواری فرزند میرزا مهدی طیب از خانواده‌ای متمول و اعیان سبزواری بود که در سال 1212 ق به دنیا آمد. پس از فوت پدر و در سنین کودکی، تحت مراقبت ملاحظین به کسب معلومات مقدماتی پرداخته و جهت فراگیری حکمت اشراق به اصفهان مهاجرت نمود. ملاهادی در محضر استادانی چون آخوند ملا اسماعیل اصفهانی، آخوند ملاعلی نوری و آقا محمد علی نجفی کسب فیض نموده و به مدت 5 سال به تدریس فقه و اصول مشغول گردید. آن گاه پس از سفر حج به سبزواری مراجعت و به تدریس حکمت پرداخت. آوازه‌ی شهرتش موجب گشت که تشنگان چشمه‌ی حکمت از اقصای نقاط دنیا به سبزواری آمده و از محضر او بهره گیرند. این شخصیت برجسته و اکسیر بی‌نظیر حکمت، علی‌رغم تمول خانواده، زندگی را در کمال زهد و قناعت سپری کرد و در کسوت تجرد، رنگ علایق را از لوح دل سترد. وی هیچ‌گونه ریاستی - حتی پیش نمازی - را نپذیرفت. حاج ملاهادی سبزواری مشهورترین فیلسوفی بود که قرن سیزدهم هجری به خود دیده و در بین متفکران، مقام ارجمندی داشت. از این بزرگوار حدود 36 کتاب و رساله بر جای مانده که از آن جمله اسرارالحکم، اصول دین، اسرارالعباده، الجبر و الاختیار، حواشی بر اسفار ملاصدرا، زبده الاصول شیخ بهایی، غررالفوائد (منظومه) و هدایه المسترشدين را می‌توان نام برد. سرانجام این عالم بزرگ در زادگاهش در 78 سالگی بدرود حیات گفت و در همان جا به خاک سپرده شد. مرگ "مائو تسه تونگ" رهبر پیشین چین و پایه‌ی چین (1976 م)

مائوتسه تونگ، رهبر پیشین چین و پایه‌گذار چین کمونیست در 26 دسامبر 1893م در ایالت هونان چین به دنیا آمد. وی که از کودکی، ظلم حاکمان را می‌دید، با عادت دادن خود به سختی‌ها، خویشتن را برای مبارزه‌ای همگانی آماده می‌ساخت. مائو در سال 1921م با الهام از حزب کمونیستی در شوروی، حزب کمونیست چین را با 12 عضو که خود ریاست آن را بر عهده داشت، تشکیل داد. او از سال 1925م تمام وقت خود را صرف نهضت دهقانی نمود و توانست در سراسر چین به شهرت برسد. مائو در سال 1928م هسته‌های اولیه ارتش سرخ چین را بنیان نهاد و به مقابله با دولت مرکزی پرداخت. از این پس چندین پیکار بزرگ بین قوای دولتی و یاران مائو روی داد که در جریان این درگیری‌ها ضربات سختی بر ارتش سرخ چین وارد آمد. مائو در 16 اکتبر 1934م، برای اجتناب از رویارویی با ارتش مجهز حکومت، راهپیمایی طولانی 12 هزار کیلومتری خود را آغاز کرد. در این راهپیمایی که 368 روز به طول انجامید، از یک‌صد هزار نفری که به همراه مائو به راه افتادند، فقط بیست هزار نفر زنده ماندند. با این حال افراد دیگری که در مسیر به آن‌ها می‌پیوستند، جای خالی تلف شدگان را پر می‌کردند. در این راهپیمایی شگفت‌آور، مائو و همراهان او، از 12 ایالت، 18 رشته کوه و 24 رودخانه عظیم عبور کردند. مائو و یارانش سرانجام در اکتبر 1935م، با استقرار در شهرکی با نام یین‌نان دست به کار تدوین قانون اساسی، تجدید سازمان ارتش سرخ و انتشار نشریه شدند. هرچند تا این زمان، نیروهای کمونیست طرفدار مائو و سپاهیان حکومت مرکزی به رهبری چیان کائوچک درگیری‌های متعددی با هم داشتند، اما پس از حمله ژاپن به چین، نیروهای دولت و ارتش سرخ به مقابله با ژاپن پرداخته و این اتحاد به صورت نیم بند به مدت سیزده سال تا سال 1949م ادامه یافت. در این سال با حمله ارتش سرخ به قوای حکومتی، رژیم پادشاهی در این کشور سرنگون شد و در اکتبر 1949م جمهوری خلق چین برپا گردید. از این پس مائو سریعاً دیکتاتوری کمونیستی خود را در چین برقرار ساخت و با اولویت دادن به کشاورزی و صنعتی، اساس پیشرفت چین را فراهم آورد. مائو در سال 1962 به مبارزه شدیدی برای ایجاد آموزش و پرورش سوسیالیست دست زد که به مخالفت توده مردم و اعضای حزب کمونیست مواجه شد. وی برنامه‌اش را با هدف به تعبیر خودش، راندن پویندگان ناپشیمان سیستم سرمایه‌داری، آغاز نمود. برنامه‌ای که به انقلاب فرهنگی منجر شد. مائو در سال 1965م یک موج فرهنگی با عنوان انقلاب فرهنگی در سراسر چین به راه انداخت و با سرکوب مخالفان خود و انجام برخی اصلاحات، قدرت بلامنازع چین را در دست گرفت. در بعد اقتصادی، مائو رهبری گروهی را برعهده داشت که به ترتیب، ایدئولوژی، مبارزه طبقاتی و کشاورزی اشتراکی رادر اولویت قرار داده بودند. در دوران مائو به رغم فراز و نشیب‌های فراوانی که در روند توسعه اقتصادی چین وجود داشت، تداوم انقلاب و مبارزه عقیدتی اولویت بیشتری نسبت به کسب ثروت و رشد اقتصاد داشت. در عرصه بین‌الملل نیز هرچند رابطه آمریکا و چین کمونیست در دو دهه آغازین حکومت کمونیست‌ها بر چین تیره بود، اما این رابطه در اوایل دهه 1970م رو به بهبودی رفت و در طی سال‌های بعد، روابط سیاسی چین و اکثر کشورهای جهان از جمله آمریکا توسعه یافت. مائو طی بیست و هفت سال حکومت خود، تنها دوبار مسافرت کرد و هر دو بار هم به مسکو رفت. مائو تسه تونگ سرانجام در هشتم سپتامبر 1976م در سن 83 سالگی جان سپرد.